

فرهنگ ظرفیت صفت حاضر در مورد صفت هایی است که در گروه های وصفی به عنوان هسته عمل می کنند و وابسته هایی به خود می گیرند که تعدادی از آنها متمم و بقیه غیرمتمم هستند در این فرهنگ سعی کرده ایم انواع متمم ها و ساخت های بنیادین حدود ۴۲۰ صفت از صفات پرکاربرد فارسی را استخراج کنیم.

هر ساخت ظرفیتی که بین دو گوشه < > نشان داده ایم متشکل از یک یا چند ساخت بنیادین است که داخل دو جفت خط عمودی || || نشان داده شده است.

تاکنون درباره ساخت ظرفیتی افعال فارسی تحقیقات مفصلی صورت گرفته است اما درباره ساخت ظرفیتی اسم ها و صفات تحقیق مفصلی انجام نشده است. تنها تحقیق مربوط به این زمینه، مقاله دکتر طبیب زاده (۱۳۸۷) در مورد ظرفیت صفت در فارسی است. فرهنگ حاضر گامی است در راه دستیابی به فرهنگی که به تدوین دستور زبان و آموزش زبان به زبان آموزان خارجی و حتی فارسی زبانان و فرهنگ نگاری می انجامد.

رساله حاضر شامل چهار فصل است که فصل اول به تعریف دستور وابستگی و نظریه ظرفیت و مختصری در مورد هسته و وابسته و متمم های اجباری و اختیاری و افزوده و شیوه نمایش ظرفیت اختصاص دارد.

در فصل دوم ظرفیت فعل و ظرفیت صفت و تعریف صفت و اقسام صفت ویژگی های صفت در فارسی و انگلیسی و ملاک های تشخیص اسم از صفت و نقش های نحوی صفت در فارسی را توضیح داده ایم.

فصل سوم در مورد متمم های صفت در فارسی و انگلیسی است.

فصل چهارم رساله در مورد ظرفیت فعل و صفت در فرهنگ های فارسی و انگلیسی و ضرورت تدوین فرهنگ است، و فصل آخر فرهنگ ظرفیت نحوی صفات بیانی است.

فصل اول

معرفی دستور وابستگی و نظریه ظرفیت

۱. دستور وابستگی و نظریه ظرفیت

نظریه دستور وابستگی^۱ یکی از نظریه های ساختگرا است که می کوشد بدون استفاده از اطلاعات فرامتنی و صرفاً بر اساس ساختار جمله ساختهای زبان را بررسی کند و دامنه تحقیقات خود را تا حد امکان از حدود جمله فراتر نبرد (طیب زاده، ۱۳۸۵). این نظریه از طریق بررسی روابط وابستگی بین عناصر هسته^۲ (حاکم) و وابسته^۳ در زبان به توصیف ساختهای نحوی در زبانهای گوناگون می پردازد. در این نظریه فعل نقش عنصر مرکزی یا هسته جمله را دارد که در تحلیل سلسله مراتبی در جایگاه بالاتری نسبت به بقیه عناصر جمله قرار می گیرد و در نتیجه تحلیل ساخت جمله با آن آغاز می شود.

برای نخستین بار لوسین تنیر^۴ فرانسوی مبانی این نظریه را مطرح کرد و سپس این نظریه در اروپا مخصوصاً در فرانسه و آلمان و روسیه مورد استقبال زبانشناسان بسیاری قرار گرفت و به تدریج مبدل به یکی از مهمترین نظریه های نحو در کار تدوین دستور زبانهای گوناگون و نیز آموزش زبان به زبان آموزان خارجی شد. بعد از تنیر، دو زبانشناس آلمانی با نامهای هلیگ و شنکل^۵ به طور جدی به این نظریه پرداختند و بر اساس نظریه ظرفیت^۶ (که یکی از مهمترین مباحث در دستور وابستگی است) نخستین فرهنگ ظرفیت افعال را در سال ۱۹۶۸ منتشر ساختند و به این ترتیب نخستین گام را در زمینه تهیه و تدوین فرهنگ واژگانی در زبان آلمانی برداشتند بعد از آنها، در آلمان، انگل^۷ با طرح هر چه بیشتر جنبه های نظری برای این دستور، آن را

1. dependency grammar
2. head
3. dependent
4. Lucien Tesniere
5. Helbig, Schenkel
6. Valency
7. Engel

به عنوان رقیبی برای دستور زایشی مطرح کرد. در سالهای اخیر، این نظریه در انگلستان و آمریکا نیز مطرح شده و در شکل گیری نظریه های جدید مؤثر بوده است (کبیری، ۱۳۸۵: ۷).

۱.۱. ظرفیت نحوی

چنانکه اشاره شد، مهمترین مبحث در دستور وابستگی، عبارت است از مسئله ظرفیت نحوی که به بحث درباره وابسته های فعل و اسم و صفت اختصاص دارد.

تنیر مفهوم ظرفیت را از شیمی اقتباس کرده بود. ظرفیت در شیمی عبارت است از توانایی یک عنصر در ترکیب با تعداد خاصی از اتم های عناصر دیگر. مثلاً از پیوند بین کلر و سدیم، ماده جدیدی به نام نمک طعام حاصل می شود. در این ترکیب سدیم را تک ظرفیتی^۱ می نامیم، زیرا اتم سدیم فقط می تواند با یک اتم دیگر پیوند برقرار کند، اما اکسیژن دو ظرفیتی^۲ است زیرا با دو اتم دیگر می تواند ترکیب شود (Tensiere, 1980, 26). در نظریه وابستگی نیز هر هسته، چه اسم باشد چه فعل و چه صفت، ظرفیت خاصی دارد و ظرفیت عبارت است از توانایی هسته در جذب تعداد و انواع مشخصی از وابسته ها. تنیر این وابسته ها را اکتان نامیده است و از زبانهای اروپایی دیگر نیز گاه از همین لفظ برای اشاره به مفهوم فوق استفاده می شود (در انگلیسی علاوه بر actant از complement و در آلمانی از Mitspieler, Ergaenzung یا Aktant) استفاده می شود (طیب زاده، ۱۳۸۵: ۲۶) که ما در اینجا آن ها را متمم می نامیم.

1. Monovalent
2. Divalent

۱.۲. هسته

در هر گروه نحوی تمایزی بین هسته یک گروه نحوی و دیگر لغاتی که وابسته هسته هستند وجود دارد. هسته مهمترین کلمه در گروه است، چون اولاً اطلاعات معنایی مهمی^۱ را منتقل می کند. (مثال ۱)، یعنی معنی کل گروه را تعیین می کند، ثانیاً تنها کلمه ای است که بجای کل گروه می تواند جایگزین شود (مثال ۲).

مثال ۱- گلهای خیلی براق (هسته این گروه "گلها" می باشد)

مثال ۲- او گلهای خیلی براق را دوست داشت (او گلها را دوست داشت).

سومین خصوصیت هسته این است که قابل حذف نیست. باید توجه داشت که در بعضی موارد هسته به ظاهر حذف می شود چون به نوعی قبلاً ذکر شده است.

مثال ۳- خیلی ناراحتی؟ بلی (کلمه ناراحتی هسته است که در جواب سوال نیامده و در معنی آن مستتر است).

چهارمین خصوصیت هسته ها اینست که ممکن است یک وابسته اجباری بگیرند. (مثال ۴)
(Tallerman, 1998: 90-91).

مثال ۴- الف) سربازان گروگان ها را آزاد کردند.

ب) *سربازان آزاد کردند (گروگان وابسته اجباری فعل «آزاد کردن» است و معنای جمله را کامل می کند).

۱.۳. وابسته

وابسته ها به دو دسته اصلی تقسیم بندی می شوند: غیرمتمم ها (افزوده ها)^۲ و متمم ها^۳.

-
1. crucial semantic information
 2. adjunct
 3. complement

متمم ها نیز خود به دو دسته اجباری^۱ و اختیاری^۲ تقسیم می شوند.

افزوده ها همیشه اختیاری هستند در حالیکه متمم ها غالباً اجباری اند. تفاوت بین این دو در این است که یک متمم کلمه ای است که توسط هسته انتخاب می شود و بنابراین ارتباط نزدیکی با هسته دارد، ولی افزوده شامل اطلاعات اضافی است و ارتباط نزدیکی با هسته ندارد. عبارت های وصفی و قیدی غالباً افزوده هستند.

هسته ها انواع مختلفی از متمم ها را انتخاب می کنند. صفات گاهی متمم اجباری می گیرند. مثلاً صفت *fond* یک متمم حرف اضافه ای اجباری می گیرد که *of* است. تعدادی از صفات متمم حرف اضافه ای اختیاری می گیرند. مثلاً صفت *good* یک گروه حرف اضافه ای اختیاری می گیرد: *good at spelling*. بعضی صفات متمم های بندی اختیاری می گیرند مانند: صفت *sorry* در گروه وصفی:

مثال ۵- [Kim felt _{Ap} sorry that their friends weren't around]

فعل ها و حروف اضافه اغلب متمم اجباری می گیرند ولی صفات گاه گاهی اینطور هستند.

(Tallerman, 1998: 98)

۱.۳.۱. متمم های اجباری

آن دسته از متمم ها هستند که وجودشان در جمله الزامی است. توسط هسته انتخاب می شوند و اگر با حذف یکی از وابسته های صفت از جمله، آن جمله غیردستوری یا ناقص شود می گوئیم وابسته حذف شده یک متمم اجباری است.

-
1. obligatory
 2. optional

مثلاً وابسته حذف شده از جمله زیر یک متمم اجباری است (طیب زاده، ۱۳۸۵: ۳۱).

مثال ۶- الف) دست او از هستی ساقط است.

ب) *دست او ساقط است.

در این مثال گروه حرف اضافه ای «از هستی» متمم اجباری است برای صفت «ساقط».

۱. ۳. ۲. متمم های اختیاری

وابسته ای که با حذف آن جمله غیردستوری یا ناقص نشود یا متمم اختیاری است یا افزوده (طیب زاده، ۱۳۸۵: ۳۲). معنای متمم اختیاری در درون ظرفیت صفت نهفته است. یعنی ساخت ظرفیتی صفت محل مشخصی برای متمم اختیاری دارد که حتی با حذف آن شنونده یا خواننده متوجه آن می شود (طیب زاده، ۱۳۸۵: ۳۵).

مثال ۷- الف) چهره او برافروخته از خشم بود.

ب) چهره او برافروخته بود.

یعنی از جمله (۷ ب) چنین استنباط می شود که «چهره»، «از چیزی» افروخته است.

۱. ۳. ۳. افزوده ها (غیرمتمم ها)

وابسته هایی را که با هر هسته ای به کار می روند افزوده می نامند. افزوده ها به ظرفیت صفت تعلق ندارند اما صفت را توصیف می کنند. افزوده ها همیشه اختیاری هستند و می توان آنها را از جمله حذف کرد. نه تنها با حذف افزوده، جمله بدساخت نمی شود بلکه معنای آن در صفت مستتر نیست و می تواند با هر صفتی بکار رود (کبیری، ۱۳۸۵: ۱۴-۱۳).

مثال ۸- الف) این خانه خیلی بزرگ است.

ب) این خانه بزرگ است.

قید تأکید "خیلی" افزوده است و در ساخت ظرفیتی صفت وجود ندارد. می تواند از جمله حذف شود و با هر صفتی بکار رود و مانند خیلی زیبا و خیلی کوچک. افزوده های فعل، شامل قید فعل و قید جمله است. قید فعل قیدهایی هستند که از حیث معنایی فقط فعل را مقید می سازند و فقط با افعال خاصی به کار می روند. مانند:

مثال ۹- او آهسته غذا می خورد.

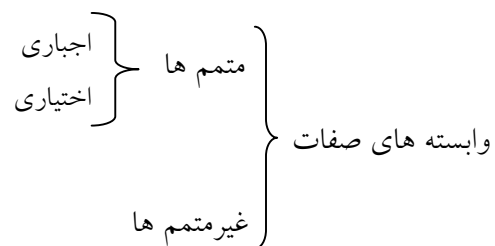
اما قید جمله قیودی هستند که کل جمله را توصیف می کنند و صرف نظر از برخی محدودیت های معنایی تقریباً با تمام افعال بکار می روند (راسخ، ۱۳۸۲).

مثال ۱۰- خوشبختانه خانه را اجاره کردیم.

۱. ۴. تفاوت متمم های اختیاری با افزوده ها

اول اینکه متمم های اختیاری به این علت که به ظرفیت صفت تعلق دارند با هر صفتی بکار نمی روند (رک مثال ۷). اما افزوده ها تقریباً با هر صفتی به کار می روند (رک مثال ۸) (کبیری، ۱۳۸۵: ۱۴). به علاوه معنای متمم اختیاری در درون ظرفیت نهفته است و با حذف آن هم خود صفت دلالت بر وجود آن می کند. اما در مورد افزوده ها اینطور نیست و اینکه حذف متمم های اختیاری از صفت جمله را بد ساخت نمی کند.

در مجموع می توان وابسته های صفات را به شکل زیر طبقه بندی کرد.



۱.۵. شیوه نمایش ظرفیت

صفات هر کدام ساخت ظرفیتی خاصی دارند پس شیوهی نمایش خاصی را برای آن ها در نظر گرفته ایم.

اگر صفتی صفر ظرفیتی باشد یعنی هیچ متممی نداشته باشد به صورت زیر نمایش می دهیم.

بازیگوش

< >

مثال ۱۱- این پسر بازیگوش است.

تعداد صفات صفر ظرفیتی در بین صفات زیاد است که در این پایان نامه ذکر نشده اند.

صفات تک ظرفیتی فقط یک متمم می گیرند. مثلاً صفت "بهره مند" یک متمم اجباری حرف

اضافه ای می گیرد و در نتیجه ساخت ظرفیتی آن کاملاً با ساخت ظرفیتی صفت بازیگوش

متفاوت است. متمم های حرف اضافه ای را بصورت درج حرف اضافه مربوط به آن متمم

نمایش می دهیم.

بهره مند

< از >

مثال ۱۲- او از استعدادی درخشان بهره مند است.

یعنی صفت بهره مند یک متمم اجباری حرف اضافه ای از می گیرد و یک ظرفیتی است.

صفت سوار که یکی از دو متمم حرف اضافه ای «بر» یا نشانه اضافه ای (پسین) را به خود می گیرد، نیز یک ظرفیتی است ولی ساخت ظرفیتی دیگری دارد. متمم نشانه اضافه ای را با «پسین» نمایش می دهیم.

سوار < بر/ پسین >

مثال ۱۳- کیسه بزرگی به ترک الاغی که مادرم بر آن سوار بود، بست (جمال زاده).

مثال ۱۴- کیسه بزرگی به ترک الاغی که مادرم سوار آن بود، بست.

خط کج در نمایش فوق به این معناست که فقط یکی از دو احتمال را می توان با صفت سوار به کار برد: یا متمم حرف اضافه ای یا متمم نشانه اضافه ای (پسین). صفت "مسئول" نیز یا با یک متمم نشانه اضافه ای (پسین) به کار می رود و یا با یک متمم بندی و یا با هیچکدام. از این پس متمم بندی را به اختصار «بند» نمایش می دهیم. این دو متمم برای صفت مسئول متمم های اختیاری هستند و به همین دلیل در نمایش زیر آن ها را درون پرانتز نمایش می دهیم.

مسئول

< (بند)/ (پسین) >

مثال ۱۵- || اولیای مسئول به این گونه امور کمتر توجه می کنند (مسعود).

مثال ۱۶- || بند || من مسئولم، که جواب مردم را بدهم.

مثال ۱۷- || پسین || سفرا، مسئول وزیر خارجه کشور خود می باشند.

یعنی صفت "مسئول" را هم می توان بدون هیچ متمم خاصی بکار برد (۱۵) و هم با یکی از دو متمم بندی (۱۶) یا نشانه اضافه ای (پسین) (۱۷).

نکته قابل توجه که قبلاً نیز ذکر شد در مورد متمم های اختیاری است، و آن اینکه متمم های اختیاری حتی اگر با هسته خود به کار نروند، به صورت مستتر در معنای آن هسته وجود دارند مثلاً صفت مسئول در جمله (۱۶) همواره این معنا را در خود مستتر دارد که او مسئول است که کاری را انجام دهد یا مسئول کسی یا چیزی است.

کاربرد کاما « ، » نیز در مواردی است که صفت دو ظرفیتی است و هر دو متمم را می توان همزمان با صفت مورد نظر در یک جمله بکار برد.

مانند صفت محافظ.

< پسین، در >

مثال ۱۸- این کرم محافظِ پوست در مقابل نور خورشید است.

فصل دوم

ظرفیت فعل و صفت

۲. ظرفیت فعل و متمم های آن در فارسی

ظرفیت فعل عبارت است از تعداد و نوع متمم هایی که آن فعل می گیرد. بر اساس نظریه ظرفیت، مرکز ثقل ساختاری جمله، فعل است زیرا فعل تعیین می کند که چه تعداد متمم می تواند یا باید در جمله ظاهر شود. یعنی در هر جمله ای غالباً فعل، هسته است و بقیه عناصر یا وابسته ی فعل هستند و یا وابسته ی وابسته ی فعل. وابسته های فعل شامل متمم ها یا افزوده ها (در فرانسوی *circonstants*، در انگلیسی *adjuncts* و در آلمانی *Ferien Angaben*) می شوند. متمم های فعل به ظرفیت فعل تعلق دارند. افزوده های فعل نیز به کلیه عناصری اطلاق می شود که به ظرفیت فعل تعلق ندارند اما فعل و یا گاه کل جمله را توصیف می کنند. متمم های فعل به دو دسته ی متمم های اجباری و متمم های اختیاری قابل تقسیم اند. متمم های اجباری آن دسته از متمم ها هستند که وجودشان در جمله الزامی است و حذف آنها موجب بد ساخت شدن جمله می شود و متمم های اختیاری آن دسته اند که قابل حذف هستند.

مثال ۱۹- علی خانه را به ما اجاره داد.

در این جمله، خانه متمم اجباری است، زیرا حذف آن جمله را اگر نه غیردستوری دست کم ناقص می کند.

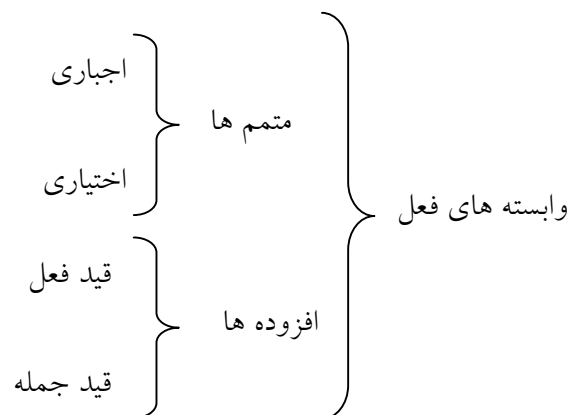
مثال ۲۰- *علی به ما اجاره داد.

اما گروه حرف اضافه ای به متمم اختیاری است، زیرا حذف آن جمله را نه غیردستوری می سازد و نه ناقص.

مثال ۲۱- علی خانه را اجاره داد.

افزوده های فعل به دو دسته قید فعل و قید جمله تقسیم می شوند (برای توضیحات بیشتر رک. فصل اول).

متمم های فعل در زبان فارسی عبارتند از: فاعل، مفعول، مفعول حرف اضافه ای، مفعول نشانه اضافه ای، تمیز، مسند، مسند متممی و بند قیدی (حالت و مقدار) (برای اطلاع بیشتر رک. طیب زاده، ۱۳۸۵، ۲۵-۳۰).



متمم های فعل در فارسی

طیب زاده (۱۳۸۵) با بررسی بیش از ۲۰۰۰ فعل فارسی مشتمل بر انواع فعل ساده، پیشوندی، مرکب و پی بستی، هشت متمم نحوی را به قرار زیر استخراج کرده است: فاعل، مفعول، مفعول حرف اضافه ای، مفعول نشانه اضافه ای، تمیز، مسند، بند متممی و متمم قیدی در ادامه به توصیف هر یک از متمم های فوق می پردازیم (سیف الهی، ۱۳۸۷، ۹-۲۲).

۲.۱. فاعل

افعال زبان فارسی را به دو دسته ی افعال شخصی و افعال غیرشخصی تقسیم می کنیم. افعال شخصی فاعل آشکار می گیرند اما افعال غیرشخصی لزوماً فاعل آشکار نمی گیرند و شناسه ی آنها همواره به صیغه سوم شخص مفرد است.

الف) فاعل در افعال شخصی:

فاعل شخصی به کلمه یا گروهی اطلاق می شود که به عنوان یکی از متمم های فعل در جمله ظاهر می شود و انجام یافتن یا عملی بودن مفهوم فعل را میسر می گرداند و به دو صورت ظاهر می شود. یکی بصورت فاعل آشکار (۱) که می توان آن را از جمله حذف کرد و دیگری به صورت شناسه ی فاعلی که وجود آن الزامی است (۲)

۱- آریا آمد

۲- آمد

پس فاعل در افعال شخصی از متمم های اجباری فعل محسوب می شود و ساخت ظرفیتی و بنیادین آن به صورت < فا > نمایش می دهیم.

آمدن: < فا >

ب) فاعل در افعال غیرشخصی:

افعال غیرشخصی را به دو دسته ی افعال با فاعل محذوف و افعال با فاعل صفر تقسیم می کنیم. افعال غیرشخصی دارای دو ویژگی مشترک هستند: یکی این که از حیث صورت همواره به صورت سوم شخص مفرد صرف می شوند و دوم اینکه همواره یک بند متممی به عنوان متمم اجباری به خود می گیرند.

افعال غیرشخصی با فاعل محذوف

به افعالی می گویند که فاعل آشکار می گیرند، اما به جای این فاعل آشکار معمولاً از بند متممی استفاده می شود. افعال «آمدن، افت داشتن، اهمیت نداشتن...» از این دسته افعال هستند:

آمدن:

مثال ۲۲- الف) در شاهنامه آمده است که رستم اهل سیستان بود.

ب) این واقعه در شاهنامه آمده است.

برای نمایش ساخت ظرفیتی افعال غیرشخصی با فاعل محذوف از علامت < فا/ Ø بند >

استفاده می کنیم.

افت داشتن: < فا/ Ø بند >

افعال غیرشخصی با فاعل صفر

افعالی هستند که فاقد فاعل می باشند و هیچ گروه اسمی را نیز نمی توان به عنوان فاعل به آنها افزود. شناسه‌ی این افعال همواره به صیغه سوم شخص مفرد است و همواره نیز با یک بند متممی اجباری در جمله ظاهر می شوند. افعال وجهی «بایستن، توانستن، شدن» وقتی به صورت شخصی به کار می رود دارای فاعل صفر هستند.

مثال ۲۳- باید رفت

مثال ۲۴- می توان نفس کشید.

افعال امید بودن، به نظر رسیدن، جا داشتن و یقین بودن نیز از جمله افعال غیرشخصی با فاعل صفر هستند. برای نمایش افعال غیرشخصی با فاعل صفر از علامت < Ø > استفاده می کنیم.

امید بودن: ، < Ø ، بند >

مثال ۲۵- ● امید است که بیاید.

۲.۲. مفعول

مفعول به شکل کلمه یا گروهی مستقل در جمله ظاهر می شود و عمل فعل بدون واسطه‌ی هیچ حرف پیش اضافه ای بر آن وارد می شود. فعلی را که مفعول می گیرد به تبعیت از دستورهای سنتی به فعل متعدی می نامیم. مفعول از متمم های اجباری فعل است. اما در مورد افعالی مانند «استعمال کردن و بالا آوردن» مفعول بصورت متمم اختیاری ظاهر می شود:

مثال ۲۶- سحر (ریاضی را) امتحان داد.

مثال ۲۷- امیر (هر چه خورده بود) بالا آورد.

افعال متعدی از حیث به کار رفتن با حرف نشانه‌ی را به دو گروه تقسیم می شوند:

۱- افعالی که مفعول آنها الزاماً با حرف نشانه‌ی را به کار می رود و حذف آن موجب بدساخت شدن جمله می شود. افعالی چون «آگاه کردن، تهدید کردن» از این دسته افعال هستند که ساخت ظرفیتی آن را به صورت $\langle \text{مف} + \text{را} \rangle$ نمایش می دهیم.

تهدید کرد: $\langle \text{فأ، مف} + \text{را} \rangle$

مثال ۲۸- او مرا تهدید کرد.

۲- افعالی که مفعول آن ها هم با نشانه‌ی را و هم بدون آن به کار می رود غالب افعال متعدی در زبان فارسی به این گروه تعلق دارند مانند افعال «بردن، خواندن، زدن ...» و ساخت ظرفیتی آن را به صورت $\langle \text{مف} \pm \text{را} \rangle$ نمایش می دهیم:

خواندن: $\langle \text{فأ، مف} \pm \text{را} \rangle$

مثال ۲۹- ما کتاب (را) خواندیم.

۲.۳. مفعول حرف اضافه ای

به شکل یک گروه حرف اضافه ای در جمله ظاهر می شود و عمل فعل به واسطه‌ی یک حرف پیش اضافه بر آن وارد می شود. مفعول حرف اضافه ای بسته به فعل هم به صورت متمم اجباری و هم به صورت متمم اختیاری در جمله ظاهر می شود. افعال «تعریف کردن و درس خواندن ...» از جمله افعالی هستند که مفعول حرف اضافه ای می گیرند.

حروف پیش اضافه ای یا ساده هستند یا مرکب: ساده مانند از، با، بای، به، تا، جز، چون، ... و مرکب مانند به جز، از جانب، با توجه به، پس از و غیره.

و ساخت ظرفیتی آن را به صورت (مفع) نمایش می دهیم. مانند

پرسیدن: < ف، مفع، مفع ازی >

مثال ۳۰- او این سؤال را از من پرسید.

۲.۴. مفعول نشانه اضافه ای

تنها متممی در زبان فارسی است که با افعال بسیط به کار نمی رود بلکه فقط با برخی از افعال مرکب در این زبان به همراه می آید. این مفعول به واسطه‌ی یک نشانه یا کسره‌ی اضافه به عنصر همراه (جزء غیرفعلی در فعل مرکب) می پیوندد و عمل فعل بر آن وارد می شود. این مفعول بسته به فعل ممکن است اختیاری یا اجباری باشد. افعال زیر از جمله افعالی هستند که یک مفعول نشانه اضافه ای از ساخت ظرفیتی آنها وجود دارد. «اجازه دادن، تحویل دادن، صحبت کردن و ...»

مثال ۳۱- آنها به ما اجازه‌ی صحبت ندادند.

مثال ۳۲- من پاسخ او را دادم.

و به سه دسته تقسیم می شوند.

مفعول نشانه اضافه ای را در ساخت ظرفیتی با نشانه اختصاری < مفن > نشان می دهیم.

گله کردن: < فا، مفن / مفتح ازی >

مثال ۳۳- او گله شما را می کرد.

مثال ۳۴- او از شما گله کرد.

۲. ۵. بند متممی

برخی از افعال فارسی فقط با یک بند متممی به کار می روند، بندی که اولاً حذف آن جمله را بدساخت و یا ناقص می کند و ثانیاً به جای آن از هیچ متمم دیگری نمی توان استفاده کرد. مثلاً افعال «وظیفه داشتن و خواهش کردن» از جمله افعالی هستند که بند متممی در آن ها نه قابل حذف و نه قابل جابجایی با متممی دیگر است:

مثال ۳۵- الف) او وظیفه دارد این کار را انجام دهد.

مثال ۳۶- ب) ؟ او وظیفه دارد.

مثال ۳۷- پ) * او به انجام این کار وظیفه دارد.

مثال ۳۸- ت) * او انجام این کار را وظیفه دارد.

بند متممی غالباً به صورت متمم اجباری فعل در جمله ظاهر می شود. افعالی که بند متممی

می گیرند به دو دسته کلی افعال شخصی و افعال غیرشخصی تقسیم می کنیم.

قید متممی افعال شخصی به چند دسته تقسیم می شوند.

۱- توانستن: < فا، بند [+ مطابقه] >

مثال ۳۹- الف) او می تواند برود.

مثال ۴۰- ب) *او می تواند برویم.

۲- فرمودن < فا، (مفتح با ای)، بند [- مطابقه] <

مثال ۴۱- الف) فرمودم بروید.

مثال ۴۲- ب)؟؟ فرمودم بروم.

۳- وانمود کردن: < فا، بند [± مطابقه] <

مثال ۴۳- الف) وانمود کردم مرد.

مثال ۴۴- ب) وانمود کردم مرده ام.

۴- آرزو داشتن: < فا، مغن/ بند [+ التزامی] <

مثال ۴۵- الف) آرزو دارم (که) او را ببینم.

مثال ۴۶- ب) آرزو دارم (که) او را می بینم.

۵- ادعا کردن: < فا، بند [- التزامی] <

مثال ۴۷- الف) ادعا می کند که پادشاه است.

مثال ۴۸- ب) *ادعا می کند که پادشاه باشد.

۶- اشاره کردن: < فا، بند [± التزامی] <

مثال ۴۹- الف) اشاره می کند که رفته اند.

مثال ۵۰- ب) اشاره می کند که برویم.